

## مسأله محوری در اندیشه و شخصیت فردوسی بر پایه نظریه آبراهام مزلو

دکتر جیهاد شکری رشید \* Jihad.shukri@gmail.com

دانشیار دانشگاه صلاح الدین، اربیل، عراق

### واژگان کلیدی

\* آبراهام مزلو

\* فردوسی

\* شاهنامه

\* خودشکوفای

\* مسأله مداری

### چکیده

یکی از معیارهای نظریه آبراهام مزلو، مسأله محوری است که در میان چهره‌های برجسته ادبی، فردوسی شخصیتی مسأله‌مدار به شمار می‌رود. بنا به باور مزلو خودشکوفایان مسئله‌مدار هستند تا خودمدار و در کل توجه زیادی به خودشان ندارند و احساس می‌کنند که در زندگی خود مأموریتی دارند. چنانچه فردوسی رسالت بزرگی در زندگی داشت که نیروی اصلی اش را برای تحقق آن صرف کرد و خواسته‌های خود را فدای هدفی بزرگ تر می‌کند که مایه پرافتخار جامعه و افراد آن حتی برای نسل بعد از آن شده است. نگارنده در این پژوهش سعی بر آن دارد تا با روش تطبیقی-تحلیلی یکی از مهمترین شاخصه‌های نظریه خودشکوفایی مزلو یعنی مسأله مداری را در شخصیت فردوسی بسنجد و به مهم ترین مسأله‌هایی که در اندیشه و شخصیت شاعر نمود دارد در معرض دید خواننده قرار دهد تا از این طریق نشان داده شود که فردوسی را می‌توان در قالب نظریه آبراهام مزلو، فردی خودشکوفای و در عین حال، مسأله محور به شمار آورد و نتیجه‌ای که از این تطبیق به دست می‌آید، می‌تواند ادله محکمی جهت نشان دادن خودشکوفایی و برجستگی شخصیت فردوسی باشد.